

آخرین گودو

و

دو نمایشنامه‌ی دیگر

ماتئی ویسنی یک

برگردان محمد کریمیان و رضا ساکی



انتشارات نیلا

عروب آفتاب، حب و خوشی نامحسوس در یک
حیایان سرناییبی وجود دارد و گودو — مردی نا
حسه‌ی نحیف و لاعر مردی — نا طاهری نساار
عمبار کنار بنادهرو نشسته و ناها‌ی خود را داخل
حوی آب گذاسته، حالتی عمگین به خود گرفته و
بی آن‌که به موضوع خاصی فکر کند، سنگار می‌کشد.
درست در کنار او یک سطل رساله واژگون سده
اسب

ار محلی خارج ار دید گودو، ابتدا صدای نارشدن
یک در و بعد ار آن صدای نامفهوم دعوا و
مشاحره‌ی مرد دیگری به گوس می‌رسد که به
بیرون — به بنادهرو — برتاب می‌سود. او بی‌اندامی
لاعر و طاهری عمبار دارد و چنان‌که بعداً خواهیم
دند همان ساموبل نکت معروف است نکت نا
سرون انداخته شدن ار ساختمان علت می‌خورد و
روی گودو می‌افتد.

نکت مو سخشین

نقش‌ها

نکت

گودو

گودو ای نانا، چیری شده
 نکت [درحالی که لباس‌هایش را می‌تکاند] نمی‌خواستم بهت آسیب
 برسوم
 گودو حُب که چی!
 نکت [درحالی که کلاه را بر سرش مرتب می‌کند] همه‌جا پُر شده ار
 این حماعتِ لات ولوت
 گودو حُب ایس که طبعیه [نادقت نه نکت نگاه می‌کند] وای،
 این‌جا رو بین، آستت شکافته!
 نکت [دست چپش را بالا می‌برد و نه ریر بغلس دست می‌کشد] خودمم
 احساس کرده بودم که پاره شده
 گودو کتکت ردن؟
 نکت نه، بیش‌تر می‌شه گفت انداحتتم تو خاک و حُل
 گودو [یک ته‌سیگار به او تعارف می‌کند] سیگار می‌جوای؟
 نکت مموں
 گودو نشین این‌جا، پس چرا نمی‌شینی؟
 نکت کف پیاده‌رو می‌سید و پاهایش را توی حوی
 آب می‌گذارد.
 انگار تو رو هم بیرون کرده‌ن هان، بیروت کرده‌ن؟
 نکت ار کجا؟
 گودو ار سالی تأتر
 نکت کی؟

گودو همین چند لحظه پیش
 نکت تو نلیت داشتی؟
 گودو آره
 نکت حُب پس چی شد که انداحتت بیرون؟
 گودو نمی‌خواستن فقط واسه یه تماشاچی نمایش احرا کس
 نکت نباید اصرار می‌کردی آگه برای دیدن نمایش نلیت
 حریده بودی، پس باید ماره می‌کردی حق مدارن
 احرا رو تعطیل کس همه‌ی حرف من ایسه که نباید
 نمایشو احرا می‌کردن حتا آگه فقط تو یه نفر اون‌جا
 بودی، باید ماره می‌کردی
 گودو نا کی ماره می‌کردم؟ نا اوبا؟
 نکت شاید می‌داشتی هرکاری می‌حوان ناهات نکس اشتناه
 کردی که گذاشتی هرکاری می‌حوان ناهات نکس
 وطیبه‌شونه که احرا کس حتا آگه فقط پحتا تماشاچی
 تو سالی ناشه اصلاً این حرفا کدومه؟ اوبا نارینگرن
 ناری کردن شعل‌شونه
 گودو حُب شاید اوسا هم از این وضع حسسته شده‌ن
 همون‌طور که خودتم می‌دویی پریرور فقط پحتا
 تماشاچی اون‌تو بود اوسا هم نمایشو ناری کردن
 می‌فهمی چی دارم می‌گم؟ شاید اوبا هم از این وضع
 حسسته شده همه حسته‌ن